

# نابرابری‌های اقتصادی – اجتماعی و شورش شهرنشینان طردشده

امیر شفیعی



نقد کتاب خشم شهری: شورش طردشدگان



کتاب «خشم شهری: شورش طردشدگان» نوشته‌ی نویسنده‌ی ترک‌تبار مصطفی دیکچ در سال ۲۰۱۷ توسط انتشارات دانشگاه ییل به انگلیسی و در بهار ۱۴۰۱ به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شد. با توجه به شرایط ملت‌پسند اجتماعی ایران و به‌ویژه وقوع جنبش شهری «زن، زندگی، آزادی» ترجمه‌ی فارسی این کتاب خیلی سریع به یکی از کتاب‌های پرفروش بدل شد که بسیاری از دانشگاهیان و فعالان آن‌را، در کنار کتاب‌هایی همچون «سیاست خیابانی» نوشته‌ی آصف بیات، برای شناخت بهتر اعتراض‌ها و این جنبش پیشنهاد کردند.

آنچه سبب شهرت این کتاب شد که از محاسن آن است بررسی روایی و دقیق تجربه‌ی جنبش‌های اجتماعی از خلال منابع مختلف خبری و اسناد و مدارک در چهار کشور بیشتر توسعه‌یافته‌ی آمریکا، بریتانیا، سوئد و فرانسه و همچنین دو کشور در حال توسعه‌ی یونان و ترکیه با بیانی مناسب برای عموم است. دیکچ با شرح چگونگی تداوم این جنبش‌ها یا تکرارشان در چندین دهه و شیوه‌ی برخورد حکومت‌ها و انواع خشونت‌های صورت‌پذیرفته از سوی پلیس در این شش کشور نشان می‌دهد همان‌گونه که میان خواست مردم برای زندگی و عدالت و آزادی در کشورهای مختلف تشابه وجود دارد شیوه‌های سرکوب اعم از جسمی یا گفتمانی نیز مشابه هم هستند و نشان از ویژگی‌های ذاتی مشترک این اعتراض‌ها و ماهیت کم‌وبیش مشابه این حکومت‌ها، اعم از توسعه‌یافته و درحال توسعه، دارد.

نویسنده با ارائه‌ی این تجربه‌ها نشان می‌دهد که اعتراض‌های اجتماعی اگرچه معمولاً به دلیل یک واقعه‌ی خاص (همچون کشته شدن «مایکل براون» سیاه‌پوست در شهر فرگوسن در آمریکا) شروع و گسترده می‌شوند اما نباید جنبش‌های اجتماعی را برآمده از یک دلیل دانست بلکه جنبش‌های اجتماعی ریشه در نابرابری‌های اقتصادی و یا تبعیض‌های فرهنگی و نژادی ناگشوده‌ای دارد که با طرد گروه‌هایی از مردم از سازوکار حکمرانی و سیاست‌گذاری و دسترسی به مواهب اجتماعی و انباشت آن‌ها سبب شده تا با یک رخداد جلوه‌گر شوند. دیکچ با مرور خیزش‌های مختلف در یک شهر یا کشور نشان می‌دهد که به دلیل ناگشوده ماندن این مشکلات و بحران‌ها چگونه شورش‌ها بارها پس از فروکش کردن دوباره سر برمی‌آورند و این شورش‌ها را باید

واکنشی طبیعی به این طردشدگی برای دستیابی به شرایط بهتر زندگی دانست: «شورش‌های شهری محصول خشمی موجه است، ... خشم آن‌ها به این علت موجه است که از بی‌عدالتی نظام‌مند نشئت می‌گیرد، نه از اتفاقاتی که هرازگاهی پیش می‌آیند و می‌توان آن‌ها را به بدرفتاری‌های فردی نسبت داد. ... مشکل فراتر از چند مأمور سرکش است و منشاء آن در انتخاب سیاست‌هایی نهفته است که شهروندان و پلیس را در برابر هم در گود مبارزه قرار می‌دهد.» (ص. ۲۷۳) در سرتاسر کتاب دیکچ تلاش دارد تا نشان دهد این خشم و خشونت امری طبیعی و واکنشی به خشونت‌هایی است که سیاست‌های نظم مستقر بر ضد برخی گروه‌های مردم داشته‌اند «این خشونت است که نظم مستقر را تخریب می‌کند زیرا نظم مستقر منشأ خشونت دانسته می‌شود.» (ص. ۲۲۴) نظم یا بهتر است بگوییم شبه‌نظمی که از قول معترضان تسخیرکننده‌ی شورای شهر بخش جنوبی کلان‌شهر آتن (ص. ۲۲۴) خشونت علیه مردم را به شکل وام‌های مسکن با سود زیاد، کلاهبرداری در بورس و صندوق بازنشستگی و بانک‌ها، کار با دستمزد پایین، نبود امنیت شغلی، نبود امنیت بازنشستگی، ضعف تأمین اجتماعی، ایمنی کم محیط کار و تبعیض علیه مهاجران اعمال کرده‌اند.

این کتاب با بررسی شورش‌های بحق مردم نشان می‌دهد که چطور سازوکار لیبرال دموکراسی نمایندگی «که به بقیه جهان درس دموکراسی می‌دهند (۳۷)» در زمینه‌ی مسئله‌ی طردشدگی شکست خورده و نتوانسته است زمینه‌ی ادغام گروه‌های مختلف مردم در عرصه‌ی سیاست‌گذاری و برآورد مطالبات آنان را فراهم کند: «خیزش شکلی خیره‌کننده است از مطالبه‌ی عمومی برای عدالت، برابری و پاسخ‌گوسازی در زمانی که اشکال متعدد مطالبه‌گری اثر نمی‌دهند. ... شکل غایبی مخالفت توسط محروم‌شدگان ... این‌که چنین وقایعی در چنین مقیاس و شدت بی‌سابقه‌ای اتفاق افتاده و دوباره نیز اتفاق خواهد افتاد بیانگر شکست این رژیم‌ها در مقابله با طردشدگی بسیاری از آسیب‌پذیرترین جمعیت‌هایشان از فرایندهایی است که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ... تنش‌ی که بین تصویر یا توهم برابری‌ای که این دموکراسی‌ها به صورت رسمی از آن حمایت می‌کنند و نابرابری‌های ملموس وجود دارد منجر به فوران خشم شهری در خیزش‌ها می‌شود (صص ۲۷۵-۲۷۴) [تأکید از من].»

با وجود این محاسن کتاب، مسائل مختلفی برای خواننده‌ی کتاب مبهم می‌ماند که سبب می‌شود کتاب برای تولید دانش همه‌جانبه‌ای در خصوص هدف کتاب برای درک ریشه‌های شهری بروز خشم ناکافی بماند. از جمله یکی از این موارد این پرسش است که سرنوشت این مطالبه‌ی عمومی و این حجم از هزینه‌ای که مردم طرد شده در برخورد قهرآمیز پلیس پرداخت کردند چه شد؟ چه تغییر مستقیمی در سیاست‌ها گذاشت و یا چه تحلیلی در ارتباط با تغییرات سیاستگذاری و نظام حکمرانی احتمالی ناشی از این اعتراض‌ها در بلندمدت قابل ارائه است؟ عدم تحلیل هزینه‌ها و دستاوردهای این جنبش‌ها، برای محافظه‌کاران و صاحبان قدرت این کژفهمی را ایجاد می‌کند که «اگر کشورهای توسعه یافته این چنین سرکوب می‌کنند پس شاید در مسیر توسعه سرکوب مخالفان اجتناب‌ناپذیر است، ولو برای کشورهای در حال توسعه کمی بیشتر باشد که آن‌هم طبیعی است!» در واقع این ایراد را می‌توان به بخش بیشتر اندیشه‌ی انتقادی چپ تعمیم داد که در نقد کلی نظام سرمایه‌داری زمینه‌ی سوءاستفاده نظام‌های دیکتاتوری در مخالفت با مدرنیته‌ی غربی و کلیه‌ی لوازم آن از جمله دموکراسی را فراهم می‌آورند. این کاستی کتاب، در مباحث نظری طرح شده در کتاب در فصل اول نیز ریشه دارد زیرا در فصل ابتدایی «خشم شهری در عصر شهری» و همچنین فصل پایانی «اشباح داستان‌ها» هیچ بحث نظری چشمگیری درباره‌ی ویژگی‌های شورش‌های شهری، نقش شهر در آن‌ها، وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها و ضرورت‌های استراتژیک آن‌ها برای پیروزی جنبش‌ها مطرح نمی‌شود. بحث نظری تنها به چند نکته‌ی ساده محدود می‌شود که به کرات در کل کتاب هم مورد تأکید هستند.

مسئله‌ی مبهم دیگر کتاب موضوع تبیین شهری این جنبش‌ها است. نگاه شهری به این موضوع در کتاب به اشاره‌هایی محدود مانده است. دیکچ در صفحات ۳۶-۳۷ با ذکر افزایش شهرنشینی در جهان و تراکم بالای جمعیتی شهرها می‌نویسد: «آنچه عصر شهری نام گرفته آشکارا عصر خشم شهری نیز هست ... فضاهای شهری به موتورخانه‌های پیشرفت بشریت تشبیه شده‌اند ... با این حال به واسطه‌ی خیزش‌های شهری در دو دهه‌ی گذشته دائماً این نکته به ما یادآوری می‌شود تراکم مردم در شهرها به سود کل جمعیت نیست ... / او احتمالاً / ایجاد شکاف و گسست در جوامع شهری

بیشتر است. ... خشمی که در شورش‌های شهری فوران می‌کند روی دیگر عصر شهری است». اگرچه این موضوع در ادامه‌ی فصل هم بیشتر بحث شده است و درباره‌ی ریشه‌های این شورش‌ها در طرد گروه‌های مختلف، مشروعیت‌بخشی به خشم شهری به‌مثابه‌ی یک کنش سیاسی در برابر نگاه آسیب‌شناختی به آن و اثر عوامل مختلف به جای یک عامل و پرهیز از مشاهده‌ی یک میله به جای تمام قفس بحث شده است، اما نگاه شهری تنها به همین ایده که شورش‌ها در شهر به دلیل تراکم جمعیت و انباشت بحران نابرابری و طردشدگی در حوزه‌های مختلف و «نارضایتی برآمده از زیست روزمره‌ی شهری (۳۷)» رخ می‌دهد، محدود می‌شود. موضوعی همچون اعیان‌سازی در حد اشاره باقی می‌ماند و البته که در همین موارد نیز مسئله‌ی اصلی تبعیض نژادی و نابرابری در اشتغال و درآمد است تا جنبه‌های مکانی آن. هیچ بحث نظری‌ای که روشن کند دقیقاً چه سازوکارهای شهری و فضایی، جدا از تبعیض در سیاست‌گذاری بخشی (بهداشت، اشتغال، مسکن و جز آن) سبب این شورش‌ها می‌شود و شهر چه نقش یا ظرفیتی در بروز و تداوم و پیروزی و شکست خیزش‌های مردمی دارد و تحلیل شهری چه درک متمایزی می‌تواند ارائه کند، مطرح نمی‌شود. نویسنده در صفحه‌ی ۳۹ به صراحت از دو نوع پی‌آمد نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی نام می‌برد: نخست نابرابری سیاسی و دوم اثر تشدیدکننده‌ی این دو نوع نابرابری بر یکدیگر و این‌که نابرابری اقتصادی - اجتماعی و نابرابری سیاسی روی هم اثر تشدید کننده دارند؛ در این نتیجه‌گیری فضا جایگاه نیافته و نویسنده به بازتاب‌های این نابرابری‌ها در فضای شهری و متعاقباً عوامل فضایی بروز خشونت شهری اشاره نمی‌کند. به عبارت دیگر نویسنده نتوانسته موضوع فضا و به خصوص بعد مکان را در این‌گونه پیامدها شناسایی و تبیین کند و همچنان نگاه بخشی و نه سیستمی و فضایی چیرگی دارد.

روی‌هم‌رفته کتاب «خشم شهری» به دلیل ارائه‌ی گزارش دقیق وقایع و ایجاد تصویری از مشروعیت خشونت شورش‌ها به مثابه‌ی واکنشی به خشونت‌هایی که به شکل مداوم و بطئی زندگی گروه‌های طردشده‌ی مردم را تحت تأثیر قرار داده است، کتاب مفیدی برای مطالعه به‌ویژه در شرایطی است که شهرها و کشورها با چنین وقایعی روبرو می‌شوند و سیاستمداران از درک آن عاجز می‌مانند. علاوه بر آن، برای بنا نهادن کوشش‌های نظری دیگر با هدف شناسایی پدیده‌ی شورش‌هاش شهری، تداوم، شکست

و پیروزی و پی‌آمدها و اثرات آن‌ها، و به‌طور خاص کشف شهر و فضا به‌عنوان عاملی مؤثر بر تحولات جنبش‌های اجتماعی، آموزه‌های تأثیرگذاری دارد.

مشخصات کتاب:

خشم شهری: شورش طردشدگان، مصطفی دیکچ، ترجمه‌ی مجید ابراهیم‌پور،  
بنفشه خسروی و نیما شکرایی، انتشارات چرخ، ۱۴۰۱